

بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متاهل شهر تبریز)

صمد کلانتری، استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*

محمد عباس زاده، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

فاروق امین مظفری، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

ندا راکعی بناب، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

فرزندآوری یکی از مهمترین مؤلفه‌های علم جمعیت و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی، توجه زیادی را به خویش معطوف داشته است. به دلیل اهمیت تحولات جمعیتی ایران در چهار دهه اخیر و تأثیر پذیری فرزندآوری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و...، پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از تئوریهای مبادله، وبر، استرلین، فازیو، دورکیم و... به بررسی جامعه‌شناختی ارتباط بین گرایش دینی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منافع اقتصادی با گرایش به فرزندآوری پرداخته و سهم و تاثیر هر کدام از متغیرهای یاد شده را بر میزان گرایش به فرزندآوری مشخص نماید. روش تحقیق، روش پیمایشی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از ابزار «پرسشنامه ساخت یافته» بهره گرفته شده است. جامعه آماری بررسی حاضر، شامل جوانان متاهل شهر تبریز بوده که بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبق انتخاب گردیده است. نرم افزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل‌های توصیفی و استنباطی رگرسیونی، SPSS و برای تجزیه و تحلیل‌های ساختاری چند متغیره، LISREL بوده است. در مجموع نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای مورد استفاده در پژوهش توانسته‌اند، ۲۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. نکته قابل توجه این است که مشارکت اجتماعی تاثیر کاهنده ولی متغیر گرایش مذهبی تاثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزندآوری داشته است.

واژه‌های کلیدی: جوانان، فرزندآوری، مشارکت اجتماعی، گرایش دینی، پذیرش اجتماعی، منافع اقتصادی، تبریز

مقدمه

دگرگونی ساخت جامعه ایران و رواج شهرنشینی و نفوذ تمدن از یکسوی، و شتاب در پویایی اجتماعی، جغرافیایی و ... از سوی دیگر، تاثیر شگرفی در خانواده‌های ایرانی بخشیده و ویژگی‌های این نهاد را از دیدگاه رفتار و اندیشه تغییر داده است (آشفته، ۱۳۷۲: ۲۵۹). بنابراین خانواده نیز به ناچار پایه پای تحولات اجتماعی متحول می‌شود، بطوریکه از این منظر پذیرش اشکال جدید همزیستی، خانواده‌های زن و شوهری بدون فرزند یا با فرزندان ازدواج نکرده، بجای اشکال سنتی خانواده نمود پیدا کرده است.

در نیم قرن اخیر تغییرات بنیادی در شکل و ویژگی‌های خانواده در ایران محسوس بوده است. انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای از بارزترین این تغییرات بوده و کاهش اساسی و مستمر مرگ و میر شانس دوام و بقای خانواده را افزایش داده و از آن طریق به تثبیت خانواده هسته‌ای کمک کرده است. اگر چه مناطق مختلف به طور ناهمزمان و به درجات متفاوت در معرض دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته اند و بهمین دلیل به طور همزمان شاهد وجود و ادامه حیات اشکال: گسترده، گسترده شکسته، هسته‌ای تکمیلی، هسته‌ای مشارکتی و اشکال ترکیبی دیگر خانواده در ایران بوده ایم، اما شکل غالب خانواده شهر، هسته‌ای است و خانواده گسترده فرایند افول را طی می‌کند (تافلر، ۱۳۷۶: ۲۳۹).

کاهش سطح زاد و ولد و باروری علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت و از آن طریق تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت داشته، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده، به تدریج

ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی خارج و به طرف سالخوردگی سوق می‌دهد. به همین لحاظ، هرم سنی جمعیت ایران که به جرأت می‌توان گفت در طول تاریخ همواره قاعده‌ای گسترده داشته و به لحاظ تمرکز بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت در سنین کمتر از ۱۵ سال از ساختاری جوان برخوردار بود، در دو دهه اخیر به سبب کاهش باروری تغییر شکل داده و نوعی فرو رفتگی در قاعده هرم سنی ایجاد شده است. به همین سبب تغییر شکل هرم سنی نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ سال از رقمی بیش از ۴۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به رقمی اندکی بیش از ۳۰ درصد در حال حاضر کاهش و در واقع در فاصله کمتر از ۲۰ سال با روندی بی سابقه به دو سوم تقلیل یافته است. روند کاهش جمعیت کمتر از ۱۵ ساله تا چند دهه دیگر ادامه خواهد داشت و به حدود ۲۰ درصد نیز خواهد رسید (زنجانی، ۱۳۸۳: ۱۶).

در حال حاضر هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالخوردگی است. بدین ترتیب اگر نقطه شروع کاهش اساسی و مستمر باروری در ایران را سال ۱۳۶۵ در نظر بگیریم، تا پایان ربع اول قرن پانزدهم هجری شمسی (۱۴۲۵)، ساختار جمعیت ایران ساختاری کاملاً سالخورده خواهد بود. در حالیکه تا سال ۱۳۷۵، همواره کمتر از ۵ درصد از کل جمعیت ایران در سنین بالاتر از ۶۵ سال قرار داشته و هنگام نیل به سالخوردگی کامل جمعیت (دهه سوم قرن پانزدهم) نسبت درصد جمعیت ۶۵ ساله به بالا به حدود ۱۵ درصد رسیده و در واقع بیش از سه برابر خواهد شد.

طی ۲۰ سال آینده، از سال ۲۰۲۵ رشد جمعیت ایران به زیر یک درصد کاهش خواهد یافت. بر این اساس، رشد جمعیت طی سالهای اخیر با کاهش محسوسی همراه بوده

است و انتظار می‌رود این رقم در دو دهه آینده نیز همچنان ادامه یابد.

طبق اعلام بانک جهانی نرخ رشد جمعیت ایران از سال ۲۰۲۵ به زیر یک درصد خواهد رسید و جمعیت ایران در سال ۲۰۲۵ به ۰/۹۹ درصد کاهش خواهد یافت. این گزارش حاکی است، رشد اقتصادی ایران طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ بطور متوسط ۱/۶۷ درصد خواهد بود؛ که طی دو سال اخیر این رقم ۱/۵۸ درصد بود. بانک جهانی تخمین می‌زند رشد جمعیت ایران طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ به ۱/۵۹ درصد کاهش یابد. افزون بر این رشد جمعیت طی سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ نیز به ۱/۳۲ درصد طی سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ به ۱/۱۳ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین در حال حاضر کاهش گرایش به فرزندآوری نیز مانند تاخیر در ازدواج و خیلی موارد دیگر، به فهرست مسائل اجتماعی کشور پیوسته است که بایستی مورد بررسی قرار گرفته و راه حلی برای آن پیدا شود. با این توصیف مقاله حاضر در صدد است با بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین گرایش دینی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منافع اقتصادی با گرایش به فرزندآوری در بین جوانان متاهل، به این پرسش اصلی که کدامیک از متغیرهای مورد بررسی تاثیرگذار بر امر گرایش به فرزندآوری است، پاسخ مناسب و علمی ارائه دهد.

ادبیات نظری و تجربی

در تبیین جامعه‌شناسی کاهش بی سابقه باروری، به تغییر کارکرد خانواده و فرزندان در جامعه شهری اشاره می‌شود. صنعتی شدن، شهرنشینی و گسترش دستگاه‌های اداری بعنوان عوامل مؤثر در دگرگونی جوامع غربی در قرون اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. شهرنشینی با مجموعه‌ای از تقسیم کار در همه بخش‌های زندگی و همچنین

میزان‌های بالایی از تحرک اجتماعی و مکانی همراه بوده است. این امر به طور اجتناب‌ناپذیری منجر به رشد دنیاگرایی و عقل‌گرایی و کاهش نفوذ نیروهای سنتی شده است. در نتیجه از خانواده نیز همانند سایر نهادها دچار تحول می‌شود (شیخی، ۱۳۸۰: ۳۴). طبیعی است که فرزندآوری تا حدی می‌تواند به عنوان کارکرد مثبت در جوامع تلقی شود، حال اگر خانواده‌ها با توجه به ویژگیهای جامعه شهری، چندان تمایلی به فرزندآوری نداشته باشند، بدیهی است که ادامه بقای جامعه و پویایی مستمر آن با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد؛ چیزی که به نظر می‌رسد بعضی از کشورهای اروپایی دچار آنند.

یکی از عوامل فرهنگی مؤثر در گرایش به فرزندآوری، گرایش دینی است. جامعه‌شناسانی چون دورکیم^۱، به این مهم پرداخته‌اند. به نظر دورکیم در جوامع ساده‌تر، دین در خود جامعه نهاده شده است. وی بیان می‌دارد که در خانواده‌های گسترده، مذهب باعث وفاداری زوجین به یکدیگر بوده و در حال حاضر، با خودمختاری‌های شخصی، مخصوصاً با روی آوردن به روابط شخصی به جای وفاداری به خانواده‌های گسترده و یا گروه‌های مذهبی، مذهب تا حدی از زندگی مردم کنار رفته است (Skage, 2006). در نتیجه، پیوندهای عمیق، ایمانها و اعتقادات و احساسات جمعی که بتوانند واجد خصوصیت دینی نسبتاً جمعی و نسبتاً قوی باشند، کمتر شده است (میشل، ۱۳۵۴: ۱۹). زندگی روز به روز مادی شده و در اثر این تحول، خانواده نیز همانند سایر نهادهای اجتماعی از حالت اولیه خارج و دیگر آن اعتقادات و باورهای مذهبی گذشته رخت بر بسته است (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۸۰).

وسایل تنظیم خانواده، نقش موثری در موفقیت سیاستهای کنترل جمعیت بعد از انقلاب داشته است (کاووه فیروز، ۱۳۶۷). پس با وجود نگرش مذهبی شدید، باروری در سطح بالایی انجام می‌گیرد. طاهریان فرد در تحقیقی در مورد عوامل موثر بر تفاوت نگرش دو نسل متفاوت از زنان نسبت به مسئله ازدواج و باروری در شیراز انجام داده است، به این نتیجه رسیده که سطح پایین اعتقادات مذهبی باعث کاهش سطح باروری شده است (طاهریان فرد، ۱۳۸۳). پریزاد و حسنی در تحقیقی که با عنوان «مقایسه تطبیقی شاخص‌های بهداشتی - جمعیتی و عوامل موثر بر آن در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر (اهل سنت و شیعه)» در استان خراسان، انجام داده اند، به این نتیجه رسیده اند که با توجه به اطلاعات مربوط به مراکز بهداشت در سطح استان خراسان در برخی مناطق بویژه مناطقی که از نظر مذهبی دارای خانوارهای اهل سنت می‌باشد، نشان داد که میزان باروری در این مناطق در میان خانوارهای اهل سنت بیشتر از خانوارهای شیعه مذهب بوده است (پریزاد و حسنی، ۱۳۸۲).

عامل موثر دیگر در گرایش به فرزندآوری عامل اقتصادی است که از طریق تئوریهای مختلفی قابل تفسیر است. یکی از این تئوریها، تئوری مبادله است. تئوری مبادله، سرچشمه فکری اش در سود انگاری فلسفی و روانشناختی قرار دارد. این نظریه رفتارشناسی را حاصل منافع شخصی در نظر می‌گیرد. در این نظریه، افراد، گروه اجتماعی را فقط به خاطر نفع شخصی شان شکل می‌دهند. اساسی ترین پیش فرض های نظریه ی مبادله این است که گروه ها صرفاً مجموعه های از افراد هستند که پیش بینی و تبیین رفتار آن ها بر اساس مطالعه انگیزه هایشان صورت می‌گیرد و افراد بوسیله نفع شخصی برانگیخته می‌شوند؛ یعنی افراد محاسبه

ماکس وبر^۲ مذهب را به عنوان یک نظام اعتقادی تعریف می‌کند که طبیعت نیروها را شکل می‌دهد. ایشان مذهب را یک متغیر مستقل تاثیر گذار بر امور اجتماعی و زندگی فردی و اجتماعی می‌داند (Skage, 2006).
توماس و هنری^۳ نیز در مطالعات خود در مورد خانواده و مذهب، آنها را مثل سازمان یکپارچه تعریف می‌کنند. از نظر اینان، اتصال مذهب و خانواده منجر به یکپارچگی می‌شود، با وجود اعتقادات کمتر، طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها نیز بیشتر می‌شود؛ عکس این امر نیز صادق است (Pargament, 1997).

بر اساس نظریه های هنری، دور کیم و وبر می‌توان گفت که وقتی در جامعه ای از نفوذ اعتقادات مذهبی کاسته می‌شود، طبیعی است که میزان باروری که علاقه به آن جزء موارد مهم و قابل توجه در مذاهب اسلامی است، کاسته خواهد شد. در ادامه مطالب نظری یاد شده، در سال ۱۹۹۹، نیسکا در تحقیق خود با عنوان «فرایند خانواده آمریکایی مکزیک» به این نتیجه رسید که عامل مذهب با ایجاد یک اعتقاد قوی، معیارهای رفتاری افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و یک عامل کلیدی برای بالا بودن باروری زنهای مکزیک - آمریکایی است. (Niska, 1999).
کاووه فیروز در تحقیق خود که به بررسی چگونگی تغییر سیاستهای کنترل جمعیت طی سه دهه اخیر در ایران پرداخته، به این نتیجه رسیده است که عدم موفقیت دولت ها در کنترل جمعیت طی سالهای ۵۵-۱۳۴۶، بخاطر عدم تایید این سیاستها از سوی علماء و روحانیون بوده و همچنین موفقیت دولت در سال ۱۳۶۰ به بعد نه تنها به خاطر بالا رفتن سطح سواد و گسترش شبکه بهداشت بوده، بلکه موافقت علمای مذهبی و حمایت آنها مبنی بر استفاده از

2- Max Weber

3- Thomas and Henry

داشتن فرزند چقدر هزینه یا منفعت می‌تواند داشته باشد. چنانکه منافع داشتن بچه بیشتر از هزینه‌ها یا مخارج باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود و تصمیم به داشتن بچه خواهند گرفت.

در نهایت او بر این باور است که در یک جامعه رفتارهای باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی - عقلانی است

(حسینی، ۱۳۸۱:۵۱).

گری بکر^۵ از دیگر صاحب‌نظران این نحله است. او در مقاله مشهور خود به نام تحلیل اقتصادی باروری در سال ۱۹۶۰، به تبیین اقتصادی رفتار باروری خانواده‌ها پرداخته است. بکر بر این باور است که رفتار باروری خانواده‌ها متأثر از رفتار اقتصادی آنهاست. در این تئوری فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است. بکر می‌گوید:

همانطوری که خانواده‌ها در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. به باور بکر، حرکت اصلی باروری در جامعه را، رفتارهای اقتصادی انسان دیکته می‌کند (حسینی، ۱۳۸۱:۵۱).

ریچارد استرلین^۶ نیز به سان نظریه‌های قبلی، نظریه خود را با استفاده از تئوری‌هایی که در صدد تبیین اقتصادی باروری هستند، بیان می‌کند. این تئوری به تئوری «عرضه، تقاضا و هزینه‌های تنظیم» یا به طور خلاصه «چارچوب عرضه - تقاضا» شهرت یافته است. از نظر ایشان در هر صورت سطح باروری و فرزندآوری براساس ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی تعیین می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۱:۵۳).

گران عقلانی در مورد سود و هزینه می‌باشد. (ملفت ۲۳:۱۳۸،). همچنین از دیدگاه این مکتب انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط برای خود نفعی بدست آورند. هرگونه ارتباط با دیگران حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله اجتماعی سعی دارد که نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی را که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این جا، رفتارهایی است که بین دو شخص تعامل‌کننده وجود دارند. هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌ها ناشی از این تعامل را برای انجام یا عدم انجام یک کنشی محاسبه می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، رابطه بین زن و شوهر یک مبادله محسوب می‌شود، که از ابتدای زندگی شروع شده است (اسکید مور ۴۷:۱۳۷۲). این دیدگاه بیان می‌کند که تمامی روابط انسان بر اساس تجزیه و تحلیل ذهنی از هزینه و منفعت و مقایسه‌ی شقوق مختلف شکل می‌گیرد. برای مثال؛ زمانی که زن و شوهر هزینه‌های یک بچه را بیشتر از منافع آن از جمله از دست دادن مشارکت اجتماعی ارزیابی می‌کنند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این خانواده بخاطر تحمل هزینه زیاد گرایش کمتری به بچه دار شدن خواهند داشت. تئوری هاروی لیبنشتاین^۴ مبتنی بر این فرض است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تاثیر می‌گذارد. به نظر وی، با استفاده از این رویکرد می‌توان به نوعی ایجاد تعادل بین رضایتمندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند و تصمیم‌گیری در مورد شمار فرزندان رسید. لیبنشتاین مسئله هزینه و منفعت را در نظر می‌گیرد و می‌گوید والدین سبک - سنگین می‌کنند که

سالخورده و بیمار نیز بوده است (Konig, 1978). در جوامع مدرن، خانواده اوقات فراغت زیادی برای خود اختصاص داده و توانسته است برحسب استعدادها و تخصص هر یک از اعضای خود، در جامعه به شغلی جدا از شغل‌های خانوادگی و سنتی پردازد در نتیجه، با وجود کلوبها و انجمنهای دوستانه کارکرد فرزندآوری و نگهداری از فرزند کمتر می‌شود، تا از رهگذر این امر افراد بتوانند راحت‌تر و با خیال آسوده در جامعه مشارکت فعال داشته باشند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، مشارکت بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. از این دیدگاه، فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد هستند. به زعم افرادی چون هانتینگتون، حرکت‌های ساختاری، اجتماعی و اقتصادی، نگرش‌های مثبت و منفی مشارکتی افراد را شکل می‌دهند. این نیروها از مجرای ساخت خانوادگی و عوامل تربیت اجتماعی بر کنش کنشگران اجتماعی تأثیر می‌گذارند. مشارکت اجتماعی، مستلزم مشارکت پیوسته همه اعضایش است (Chandapiwa, 2008). در نتیجه هر چه بسوی جوامع مدرن حرکت می‌کنیم، میزان مشارکت و تبادل اطلاعات که از جمله کارکردهای مشارکت تلقی گردد (Baum, 2001: 1840-1841)، افزایش می‌یابد. به نظر هانتینگتون در فرایند نوسازی که تنوع و تمایز ساختاری و تخصصی شدن کارکردی و نهایتاً پیچیدگی ساختاری بوجود می‌آید، به مشارکت مردم برای ایفای نقش‌های جدیدتر نیاز است (هانتینگتون، ۱۳۷۵). بر حسب میزان و نوع مشارکت در نظام‌ها، تغییراتی در خانواده صورت گیرد، از جمله خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای با ابعاد کمتر تغییر یابد با افزایش مشارکت مردم و همچنین افزایش

خلاصه کلام اینکه تئوریهای اقتصادی هر پدیده اجتماعی و یا هر گونه کنش اجتماعی (مثلاً اقدام به فرزندآوری) را بر مبنای احتساب سود و زیان مترتب بر آن ارزیابی می‌کنند و اگر احساس کنند که هر گونه کنشی دارای پیامدهای مثبت و سودآور خواهد بود، در آن صورت از اقدام به آن کوتاهی نمی‌ورزند و اگر نه احساس نمایند که هزینه‌ها بر منافع پیشی گرفته است، از اقدام به آن صرف‌نظر خواهند کرد.

عامل دیگری که در فرزندآوری سهم بسزایی دارد، مشارکت اجتماعی است. دانشمندان مختلفی به تأثیر مشارکت اجتماعی در تغییر الگوهای زندگی پرداخته‌اند. از جمله: رنه کونیک^۷، جامعه‌شناس آلمانی که در بسط نظریه انقباض دورکیم، مساله کاهش کارکردهای خانواده را مد نظر قرار می‌دهد. از دید او در اثر تکامل صنعتی، ساختار درونی خانواده از بین رفته و کارکردهای مهم آن که کونیک از آنان به عنوان کارکردهای ثانویه نام می‌برد، به نهادهای دولتی، اجتماعی و اقتصادی واگذار گردیده است. او معتقد است که در شرایط کنونی، کلا کارکردهای ثانویه خانواده مانند کارکرد اقتصادی، آموزشی و بهداشتی و نگهداری از سالخوردگان و حتی گذران اوقات فراغت به سازمانهای دولتی واگذار شده است. وی، خارج شدن کارکرد تولید اقتصادی خانواده به سازمانهای مستقل جامعه، انتقال آن به کلیسا و سایر نهادهای اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهد، او معتقد است که امروزه درخواستهای شغلی نیز به موسسات خاص دولتی با پرسنل آموزش دیده واگذار شده است، از طرف دیگر کوچک شدن و از لحاظ اقتصادی بی‌قدرت شدن خانواده مانعی در ارائه کارکردهای تامین و محافظت اعضا

دیدگاه‌های افراد جامعه پیرامون مقبولیت یا عدم مقبولیت اجتماعی (عدم پذیرش اجتماعی) یک کنش اجتماعی (مثلاً فرزندآوری) است که این امر خود می‌تواند نقش بازدارندگی و یا برانگیزانندگی را در خصوص فرزندآوری بازی نماید.

ب) تئوری فیش باین و آیزن: برخلاف تئوری قبلی که مستقیماً، گرایشها را تاثیر گذار در شکل‌گیری رفتار می‌پنداشت، در این تئوری، گرایشها، به طور مستقیم بر رفتار تاثیر ندارند، بلکه؛ گرایشها بر نیت ما تاثیر می‌گذارند و این نیت است که رفتار ما را شکل می‌دهند (Urry, 2000: 197-229). به عبارتی بر اساس تئوری فیش باین و آیزن، رفتار، تابع قصد و نیت است و قصد و نیت به رفتار، خود، تابع، گرایش به سوی آن رفتار (تابع انتظار فایده و ارزیابی فایده) و هنجار ذهنی (تابع انتظارات افراد مهم یا انتظارات دیگران و انگیزه برای پیروی از انتظارات دیگران) است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

طبق نظر فازیو، فیش باین و آیزن، هر فرد برای تصمیم‌گیری در انجام هر عملی به نظرات دوستان، گروهها، والدین و بطور کلی جامعه توجه زیادی نشان می‌دهد و اگر فرد در انجام کنش خاص مثلاً فرزندآوری از پذیرش اجتماعی بالای آن خبردار باشد، خواسته یا ناخواسته به آن تن در خواهد داد؛ عکس این امر نیز صادق است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

مشارکت اجتماعی، گرایش دینی، پذیرش اجتماعی و منافع اقتصادی فرزندان در گرایش به فرزندآوری تاثیر دارند.

میزان شهرنشینی از تعداد فرزندان ایده‌آل خانواده کاسته شده و خانواده‌ها تمایل زیادی برای داشتن فرزندان زیاد ندارند.

تحقیق صورت گرفته توسط کیو^۸ در سال ۱۹۷۳ با عنوان ازدواج، باروری و بازار کار در ایالات متحده آمریکا، نشان می‌دهد که طی ۴۰ سال گذشته تعدادی زیادی از زنان وارد بازار کار شده و در نتیجه شغلی برای خود دست و پا کرده‌اند. این اشتغال و بازار کار در ساختار خانوادگی آنها تغییر ایجاد کرده و منجر به تعویق نقش مادری شده است. بنابراین مشارکت در امور اجتماعی خود می‌تواند به عنوان عاملی مهم در گرایش کمتر افراد به فرزندآوری تلقی گردد (Kuo, 1937). روبین لودن پیچ^۹ (۲۰۰۶) در تحقیق خود با عنوان جنس، دارو و مذهب: تحلیل نگرش‌ها و ادراکات باروری زن‌ها، اعلام داشته است که زنان با درآمد بالا و شغل خوب به جهت مشارکت و حضور مستمر در عرصه‌های عمومی، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند (Loudon Page, 2006).

سومین عامل سهیم در گرایش به فرزندآوری، که در مقاله حاضر به آن پرداخت شده است، پذیرش اجتماعی است. تئوریهای متعددی برای تبیین موضوع پذیرش اجتماعی، مطرح گردیده است؛ از آن جمله می‌توان به تئوری فازیو^{۱۰} و تئوری فیش باین و آیزن^{۱۱} اشاره کرد. الف) تئوری فازیو: فازیو به فرایندهای شناختی کنترل شده و اتوماتیک اشاره دارد. به نظر ایشان فرایندهای شناختی کنترل شده رابط بین گرایش - رفتار را تقویت می‌نماید. بنابراین کسب اطلاعات و تجربه، در این میان، نقش اساسی دارد. مراد از کسب تجربه، بخش‌اش مرتبط با

8-Kuo, Yu, chen

9- Loudon Page

10- Russel Fazio

11- Fish bein & Ajzin

مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت دارد که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محله شهر و روستا شرکت کرده و در مناسبات حیات اجتماعی خود سهم می‌گردند (غفاری، ۱۳۸۶: ۲۸).

متغیر مذکور با شاخصهایی چون مسایل روز را دنبال کردن از طریق رادیو، روزنامه و... شرکت در نماز جماعت- پرداخت عوارض و مالیات سر موعد مقرر - شرکت در مباحث و سخنرانیهای علمی، فرهنگی، هنری- استفاده از اینترنت و کامپیوتر جهت کسب اطلاعات مهم و در سطح سنجش فاصله ای سنجیده شده است.

پذیرش اجتماعی

پذیرش اجتماعی می‌تواند از منظرهای مختلفی تعریف گردد؛ یعنی اندیشمندان مختلفی با لحاظ حوزه کاری خود، به تعریفی از پذیرش اجتماعی اقدام کرده اند (Faiers, 2005). به طور طبیعی رفتارهای مناسب به منزله هنجارهای درونی شده است. انسانها نه به دلیل ترس از دیگران، بلکه به دلیل پذیرفته شدن توسط دیگران و همچنین هم‌رنگ شدن با آنها رفتارهای مناسب و شیوه‌های بهنجار را انجام می‌دهند (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۰۰). مفهوم پذیرش اجتماعی قابل کاربرد در پدیده‌های مختلف بوده و تا حد بالایی با اکثر آنها سازگاری دارد (Rogers, 2005). فهم درست ارتباطات و شرایط اجتماعی از جمله کارکردهای مهم پذیرش اجتماعی است (Mallett, 2007).
متغیر مذکور با شاخصهایی مانند عزیز بودن خانواده‌های پرجمعیت نزد بزرگترهای فامیل - ترس از انگ اجاق کور بودن- فشار اطرافیان در مورد بچه دار شدن و در سطح سنجش فاصله ای سنجیده شده است.

فرضیه‌های اختصاصی

بین گرایش به فرزندآوری جوانان متاهل و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
بین گرایش به فرزندآوری جوانان متاهل و گرایش دینی آنها رابطه وجود دارد.
بین گرایش به فرزندآوری جوانان متاهل و پذیرش اجتماعی رابطه وجود دارد.
بین گرایش به فرزندآوری جوانان متاهل و منافع اقتصادی فرزندان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

معرفی متغیرهای تحقیق (تعاریف نظری و عملیاتی)

گرایش دینی

گرایش دینی را می‌توان گرایش انسان‌ها به سوی وجود والای خداوند یا نیروهای برین و یا احساس ساده وابستگی به آنان به منظور تبیین علل وجودی خویشتن در جهان و بازیابی معنایی برای هستی داشت (بیرو، ۱۳۶۶). این متغیر با شاخصهایی چون رزق حلال درآوردن- عزیز بودن خانواده‌های پرآولاد نزد خداوند- نعمت و رحمت آوردن فرشتگان بر بام خانه‌ای که بچه در آن باشد- مایه‌ی برکت بودن فرزند در خانه مومن- حضور در مراسم مذهبی - ایمان به روز قیامت و فخر کردن پیامبر به زیاد بودن امت خود در روز قیامت (اعتقاد پاسخگو به این امر) مورد سنجش قرار گرفته است.

مشارکت اجتماعی

منافع اقتصادی فرزندان

انسانها به عنوان کارفرمایان، به دنبال نتایجی می‌روند که سود بیشتری برای آنها داشته باشد (ریترز، ۱۳۷۴:۴۲۳).

متغیر یاد شده با شاخصهایی چون، ضروری بودن فرزند برای تامین و نگهداری والدین در سنین کهولت - بالا بودن هزینه‌های بچه-بالا بودن هزینه‌های بچه‌ها نسبت به منافع آتی شان - بیشتر بودن خرج بچه‌ها نسبت به بزرگترها- منبع لذت بودن فرزند برای والدین- نیروی کار مجانی بودن فرزندان در بزرگسالی، و در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده است.

گرایش

ترکیب شناختها، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را گرایش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند (کریمی، ۱۳۸۵).

گرایش به فرزند آوری

منظور، گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده‌هاست. این متغیر با شاخص‌های خوشبختی خانواده در گرو وجود بچه- تنها هدف از ازدواج، برای تولید نسل بودن- دور ماندن از فعالیت‌های اجتماعی بخاطر بچه - دوری از محیط‌های پراز بچه- شروع مشکلات با تولد فرزند - افزایش فشارها و طیفی از بیماریها با حضور فرزند - نشانه زندگی بودن وجود بچه. - تمایل به بچه دار شدن تحت هر شرایطی (با عمل جراحی و...) - بهتر شدن رابطه متقابل همسران با وجود بچه و گرما بخش بودن فرزند در زندگی و در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده است.

روش تحقیق، فرایند نمونه‌گیری و شیوه

تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، براساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی^{۱۲} است. همچنین از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر بوده و بادر نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی^{۱۳} است. جامعه آماری بررسی حاضر، شامل کلیه جوانان متأهل، ۲۹ تا ۱۵ ساله شهر تبریز به تعداد ۴۴۰۷۹۶^{۱۴} از بین آنها، طبق فرمول کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد ۰/۰۵ = d و pq = ۱، حدود ۳۸۳ نفر نمونه انتخاب شده و بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی به مناطق هشتگانه شهرداری اختصاص یافتند (جدول شماره ۱). نهایت امر اینکه بعد از حصول اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری، پرسشنامه مقدماتی نهایی شده و توسط پرسشگران آموزش دیده از مناطق منتخب پر گردیدند. بعد از اتمام گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل‌های توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر) با استفاده از نرم‌افزارهای آماری Spss و Lisrel صورت پذیرفته است.

12- Survey

13- Cross Sectional

14- کلیه جوانان متأهل ۲۹ تا ۱۵ ساله شهر تبریز به تعداد ۴۴۰۷۹۶ می‌باشد، که با بررسی بیشتر از آمارنامه‌های رسمی و داده‌های مربوطه در این زمینه بدست آمده است. ۸۷۳۷۳ مربوط به کل متاهلین شهر تبریز می‌باشد، لازم است که در مقاله قبلی نیز این عدد تصحیح گردد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{877373 * 1.96^2 * .5 * .5}{[(877373 * .05^2) + (1.96^2 * .5 * .5)]} \approx 383$$

جدول شماره (۱): تعداد نمونه‌های تخصیص یافته به نسبت مناطق شهرداری

مناطق شهرداری	جمعیت	درصد	نمونه اختصاص یافته
منطقه یک	۳۱۳۳۴	۲۶/۸	۱۰۴
منطقه دو	۲۲۴۴۴۳	۱۹/۲	۷۴
منطقه سه	۲۶۴۳۷۷	۲۲/۶	۸۷
منطقه چهار	۲۹۶۰۱۵	۲۵/۳	۹۷
منطقه پنج	۱۶۰۳۳	۱/۶	۶
منطقه شش	۸۰۶۳	۰/۶۹	۳
منطقه هفت	۲۷۲۷۹	۲/۳	۹
منطقه هشت	۱۸۳۴۹	۱/۵	۶
جمع	۱۱۶۷۸۶۳	۱۰۰	۳۸۶

مآخذ: مرکز آمار وزارت مسکن و شهرسازی سال ۱۳۸۶

اعتبار^{۱۵} و پایایی^{۱۶} وسیله اندازه‌گیری

قابل قبولی بوده است. (با در نظر گرفتن این نکته که حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤالات، ۰/۶ است (قاضی طباطبائی، ۱۳۷۱: ۶۰)).

برای بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی مدنظر بوده و برای بررسی پایایی گویه‌های موجود در وسیله اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ (با اجرای پیش‌آزمون به تعداد ۳۰ نفر) استفاده شده است. پایایی سؤالات نیز براساس آزمون آلفای کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ها محاسبه گردید.

طبق اطلاعات جدول شماره (۲)، ضرایب پایایی سؤالات مربوط به گرایش به فرزندآوری، مشارکت اجتماعی، گرایش دینی، پذیرش اجتماعی و منافع اقتصادی در حد

¹⁵- Validity

¹⁶- Reliability

جدول شماره (۲): پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

متغیر	تعدادسؤال	مقدارآلفا
گرایش به فرزندآوری	۱۶	۰/۶۷
پذیرش اجتماعی	۴	۰/۷۲
گرایش دینی	۸	۰/۷۹
مشارکت اجتماعی	۵	۰/۶۷
منافع اقتصادی	۵	۰/۶۰

تجزیه و تحلیل داده ها

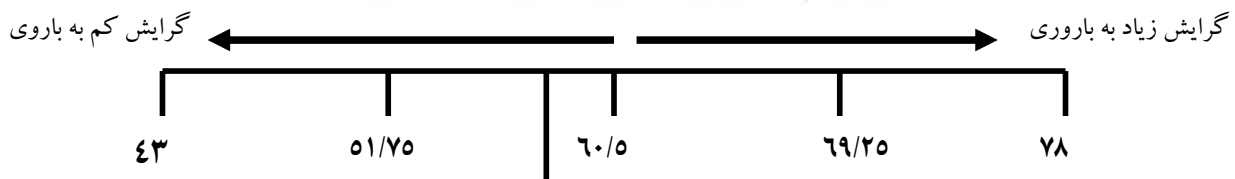
یافته های توصیفی یک متغیره مرتبط با گرایش به فرزندآوری جوانان متاهل

روانی قلمداد می کنند، ۵۱/۱ در هر صورت ممکن حتی با عمل جراحی خواهان بچه دار شدن هستند، ۷۴/۹ از پاسخگویان بچه را عصای دست نمی دانند، ۶۲/۹ بچه های زیاد را سد راه موفقیت می پندارند و ۶۲/۹ از زنان خواهان مادر شدن نیستند.

همچنین بر اساس مندرجات جدول شماره (۴)، به طور متوسط گرایش به فرزندآوری (متغیر وابسته تحقیق) در بین جوانان متاهل ۵۹/۲۲ با انحراف استاندارد ۷/۷ است. دامنه تغییرات ۳۵، حداقل نمره ۴۳ و حداکثر نمره ۷۸ می باشد ضریب کجی ۰/۳۰۱ بدست آمده بیانگر این امر است که افراد پایین تر از میانگین نمره گرفته اند؛ یعنی گرایش به فرزندآوری بین آنها متوسط به پایین است.

برای سنجش متغیر گرایش به فرزندآوری در میان جوانان متاهل ۱۶ سوال طرح شده است، که به ترتیب به توزیع داده های آماری آن می پردازیم.

با توجه به جدول شماره (۳)، ملاحظه می شود: که ۵۱/۴ درصد با وجود بچه در زندگی زناشویی احساس خوشبختی می کنند، ۴۹/۲ ازدواج را برای تولید نسل انجام می دهند، ۴۰/۵ از پاسخگویان بچه را مانعی بر سر اهداف اجتماعی می دانند، ۳۷ درصد از خانواده های پرجمعیت گریزانند، ۴۲/۴ بچه را شروع مشکلات فراوان می دانند، ۳۹/۲ فرزندان را باعث ایجاد بیماریهای روحی و



۵۹/۲۲: میانگین بدست آمده

پیوستار شماره ۱: میانگین گرایش به فرزندآوری

جدول شماره (۳): آماره های پراکندگی مرتبط با متغیر گرایش به فرزندآوری

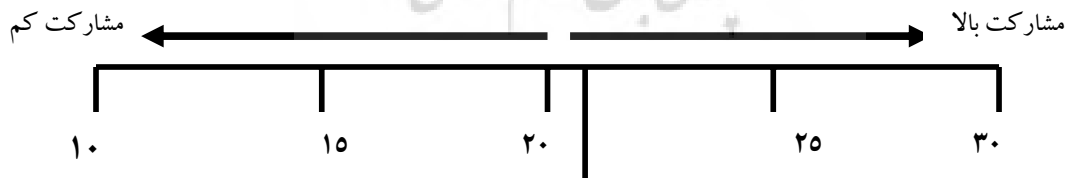
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
گرایش به فرزندآوری	۳۸۶	۵۹/۲۲	۷/۷	۰/۳۰۱	۴۳	۷۸	۳۵

یافته های توصیفی و استنباطی دو متغیره

متغیر مشارکت اجتماعی

استاندارد ۴/۳ است. دامنه تغییرات ۲۰ بدست آمده، حداقل نمره ۱۰ و حداکثر ۳۰ می باشد. مقدار ضریب کجی بدست آمده و پیوستار شماره ۲، نشان می دهد که افراد بیشتری نمره ای بالاتر از میانگین گرفته اند؛ یعنی جوانان متاهل دارای مشارکت اجتماعی بالایی هستند. برای سنجش ارتباط متغیرهای مشارکت اجتماعی و گرایش به فرزندآوری از آزمون پیرسون استفاده شد. مطابق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده ملاحظه می شود که بین مشارکت اجتماعی و گرایش به فرزندآوری، رابطه خطی معنی داری حاصل نیامده است (جدول شماره ۴).

برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی پنج گویه (مسایل روز را دنبال کردن از طریق رادیو، روزنامه و... شرکت در نماز جماعت- پرداخت عوارض و مالیات سر موعد مقرر - شرکت در مباحث و سخنرانیهای علمی، فرهنگی، هنری- استفاده از اینترنت و کامپیوتر جهت کسب اطلاعات) طرح شده بود. بر اساس اطلاعات جدول شماره (۴)، ملاحظه می شود که به طور متوسط نمره مشارکت اجتماعی در بین جوانان متاهل ۲۲/۴۰ با انحراف



میانگین بدست آمده ۲۲/۴۰:

پیوستار شماره ۲: میانگین مشارکت اجتماعی جوانان

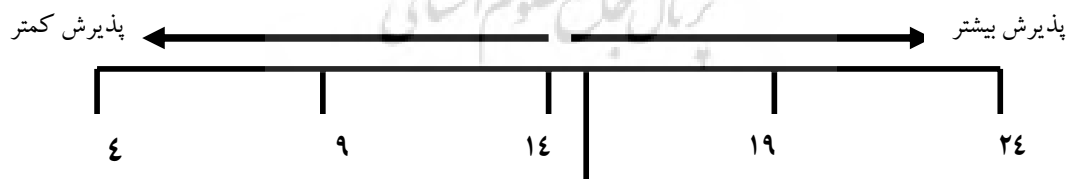
جدول شماره (۴): آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با متغیر مشارکت اجتماعی و گرایش به فرزندآوری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات								
مشارکت اجتماعی	۳۵۸	۲۲/۴۰	۴/۳۳	-۰/۴۹	۱۰	۳۰	۲۰								
آزمون پیرسون: متغیر مشارکت اجتماعی و گرایش به فرزندآوری															
								تعداد مشاهدات		۲۹۶					
								سطح معنی داری		۰/۶۳					
شدت همبستگی		-۰/۲۷													

متغیر پذیرش اجتماعی

فرزندآوری در جامعه داری پذیرش اجتماعی نسبتا بالایی است. برای سنجش ارتباط بین متغیرهای پذیرش اجتماعی و گرایش به فرزندآوری از آزمون پیرسون استفاده شد. مطابق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده، ملاحظه می شود که بین پذیرش اجتماعی و گرایش به فرزندآوری، رابطه خطی معنی داری حاصل نیامده است (جدول شماره ۵).

برای سنجش متغیر مذکور چهار شاخص (عزیز بودن خانواده های پرجمعیت نزد بزرگترهای فامیل - ترس از انگ اجاق کور بودن- فشار اطرافیان در مورد بچه دار شدن)، طرح شده بود. بر اساس آماره های پراکندگی (۱۷/۱۴= میانگین و -۰/۵= ضریب کجی) و پیوستار شماره ۳، می توان گفت که از نظر بیشتر جوانان متأهل،



۱۷/۱۴: میانگین بدست آمده

پیوستار شماره ۳: میانگین پذیرش اجتماعی

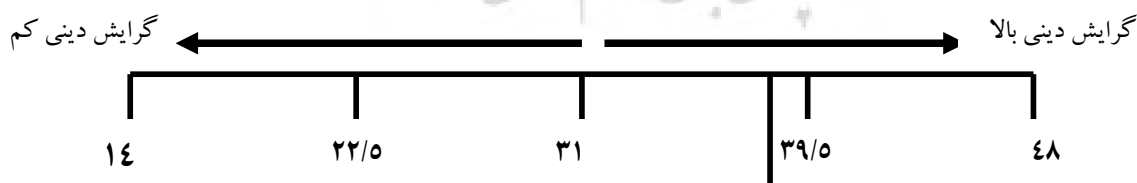
جدول شماره (۵): آماره‌های توصیفی و استنباطی مرتبط با متغیر پذیرش اجتماعی و گرایش به فرزندآوری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات								
پذیرش اجتماعی	۳۵۹	۱۷/۱۴	۴/۳۸	-۰/۵	۴	۲۴	۲۰								
آزمون پیرسون: متغیر پذیرش اجتماعی و گرایش به فرزندآوری															
								تعداد مشاهدات	۳۵۹						
								سطح معنی داری	۰/۸۳						
شدت همبستگی	۰/۱۲														

متغیر گرایش دینی

ضریب همبستگی پیرسون انجام شده ملاحظه می‌شود که بین گرایش دینی و گرایش به فرزندآوری شدت همبستگی برابر با ۰/۴۰۲ با سطح معنی داری (۰/۰۰۰) بدست آمده است و چون سطح معنی داری کمتر ۰/۰۵ است، پس نتیجه گرفته می‌شود که همبستگی دو متغیر فوق معنی دار بوده، شدت همبستگی متوسط و نوع رابطه مثبت و مستقیم بوده است، یعنی افرادی که دارای گرایش دینی بالایی بودند، علاقمندی بیشتری به فرزندآوری داشته‌اند و همچنین افرادی که دارای گرایش دینی پایینی بودند، گرایش به فرزندآوری در بین آنها کمتر دیده می‌شود (جدول شماره ۶).

برای سنجش گرایش دینی از ۸ گویه (رزق حلال درآوردن، عزیز بودن خانواده‌های پراولاد نزد خداوند، نعمت و رحمت آوردن فرشتگان بر بام خانه‌ای که بچه در آن باشد، مایه‌ی برکت بودن فرزند در خانه مومن، حضور در مراسم مذهبی، ایمان به روز قیامت، فخر کردن پیامبر به زیاد بودن امت خود در روز قیامت) طرح شد. بر اساس آماره‌های پراکندگی (۳۸/۶ = میانگین و -۰/۷۵ = ضریب کجی) و پیوستار شماره ۴، می‌توان گفت که بیشتر جوانان متاهل دارای گرایش دینی بالایی هستند. برای سنجش ارتباط متغیرهای گرایش دینی و گرایش به فرزندآوری از آزمون I پیرسون استفاده شد. مطابق آزمون



۳۸/۶: میانگین بدست آمده

پیوستار شماره ۴: میانگین گرایش دینی جوانان

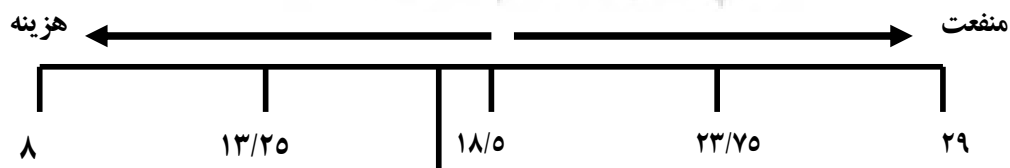
جدول شماره (۶): آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با متغیر گرایش دینی و گرایش به فرزندآوری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات								
گرایش دینی	۳۶۹	۳۸/۶	۶/۵	-۰/۷۵	۱۴	۴۸	۳۴								
آزمون پیرسون: متغیر گرایش دینی و گرایش به فرزندآوری															
								تعداد مشاهدات	۳۶۹						
								سطح معنی داری	۰/۰۰۰						
		شدت همبستگی	۰/۴۰۲												

متغیر منافع اقتصادی فرزندان

برای سنجش ارتباط متغیرهای منافع اقتصادی و گرایش به فرزندآوری از آزمون پیرسون استفاده شد. مطابق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده ملاحظه می شود که بین منافع اقتصادی و گرایش به فرزندآوری، شدت همبستگی برابر با $۰/۱۳۳$ - با سطح معنی داری ($۰/۰۳۱$) بدست آمده است. چون سطح معنی داری کمتر $۰/۰۵$ است، بنابراین فرضیه مذکور به تایید رسیده و شدت همبستگی ضعیف و نوع رابطه معکوس می باشد، یعنی هر چقدر والدین بیشتر دنبال منافع اقتصادی خود باشند، به همان میزان از گرایش آنان به فرزندآوری کاسته خواهد شد؛ عکس این امر نیز صادق است (جدول شماره ۷).

برای سنجش منافع اقتصادی از ۵ شاخص ضروری بودن فرزند برای تامین و نگهداری والدین در سنین کهولت - بالا بودن هزینه های بچه ها، بیشتر از منافع آتی شان - نیروی کار مجانی فرزند در بزرگسالی و... طرح شده بود. بر اساس آماره های پراکنندگی ($۱۶/۸۵$ = میانگین و $-۰/۰۵$ = ضریب کجی) و پیوستار شماره ۵، می توان گفت که از دید افراد مورد بررسی، هزینه فرزندان بیشتر از منافع آتی آنان است.



۱۶/۸۵: میانگین بدست آمده

پیوستار شماره ۵: میانگین منافع اقتصادی

جدول شماره (۷): آماره‌های توصیفی و استنباطی مرتبط با متغیر منافع اقتصادی و گرایش به فرزندآوری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات								
منافع اقتصادی	۳۱۲	۱۶/۸۵	۰/۱۹	-۰/۰۵	۸	۲۹	۲۱								
آزمون پیرسون: متغیر منافع اقتصادی و گرایش به فرزندآوری															
								تعداد مشاهدات		۳۱۲					
								سطح معنی‌داری		۰/۰۳۱					
شدت همبستگی		-۰/۱۳۳													

تحلیل رگرسیونی

واریانس گرایش به فرزندآوری را ۴ متغیر فوق تبیین می‌کنند (جدول شماره ۸). قسمت بعدی، خروجی آنالیز واریانس است که معنی‌دار بودن آن نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی وجود دارد؛ یعنی مقدار $F_{36/629}$ برای F با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹ درصد تأییدی بر وجود رابطه‌ای خطی بین گرایش به فرزندآوری و متغیرهای مستقل پیش‌گفته است و همچنین بدین معنی است که لااقل یکی از این متغیرها در معادله رگرسیونی گرایش به فرزندآوری دارای ضریب معنی‌داری است (جدول شماره ۹).

نتیجه بعدی اینکه از بین متغیرهای وارد شده بر مدل رگرسیونی، در نهایت متغیرهای «گرایش دینی و مشارکت اجتماعی» در مدل نهایی ماندگار شده ولی متغیرهای «منافع اقتصادی و پذیرش اجتماعی» از مدل نهایی خارج شده‌اند (جدول شماره ۱۰ و ۱۱).

با وارد کردن متغیر میزان گرایش به فرزندآوری به‌عنوان متغیر وابسته و ۴ متغیر مستقل (متغیرهای گرایش دینی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی و منافع اقتصادی) به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیون چندگانه خطی و اجرای آن به روش گام به گام، نتایج زیر حاصل آمده است:

مقدار $R^2/478$ برای ضریب همبستگی چندگانه بیانگر مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می‌باشد؛ یعنی گرایش به فرزندآوری با مجموعه ۴ متغیر فوق (یا عبارتی با برآورد آن از روی معادله رگرسیونی این ۴ متغیر) دارای همبستگی معنی‌داری به میزان $47/8$ درصد می‌باشد. «ضریب تعیین تعدیل شده» که مجذور ضریب همبستگی چندگانه فوق است، معرف درصدی از پراکندگی (واریانس) متغیر وابسته است که توسط مدل توجیه می‌شود. بنابراین حدود ۲۲ درصد از

جدول شماره (۸): خلاصه آماره‌های مربوط به تجزیه رگرسیونی

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح شده	اشتباه معیار برآورد	کمیت دورین و اتسون	آزمون کولموگروف اسمیرنوف	
					کمیت	سطح معنی‌داری
۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۲	۸/۲	۱/۷	۱/۲۲	۰/۱۰۱

جدول شماره (۹): تحلیل واریانس برای آزمون معنی داری شکل رگرسیونی

P	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰/۰۰۰	۳۶/۶۲	۲۴۹۵/۸۰	۲	۴۹۹۱/۶۰	رگرسیون
		۶۸/۱۳	۲۴۸	۱۶۸۹۷/۹۲	باقیمانده
		-	۲۵۰	۲۱۸۸۹/۵۳	کل

جدول شماره (۱۰): متغیرهایی که در مدل نهایی مانده اند

سطح معنی داری	کمیت t	ضرایب استاندارد	متغیرهای مانده در مدل رگرسیونی
.۰۰۰	۸,۲۴۵	.۴۶۶	گرایش دینی
.۰۰۱	-۳,۵۸۱	-.۲۰۲	مشارکت اجتماعی

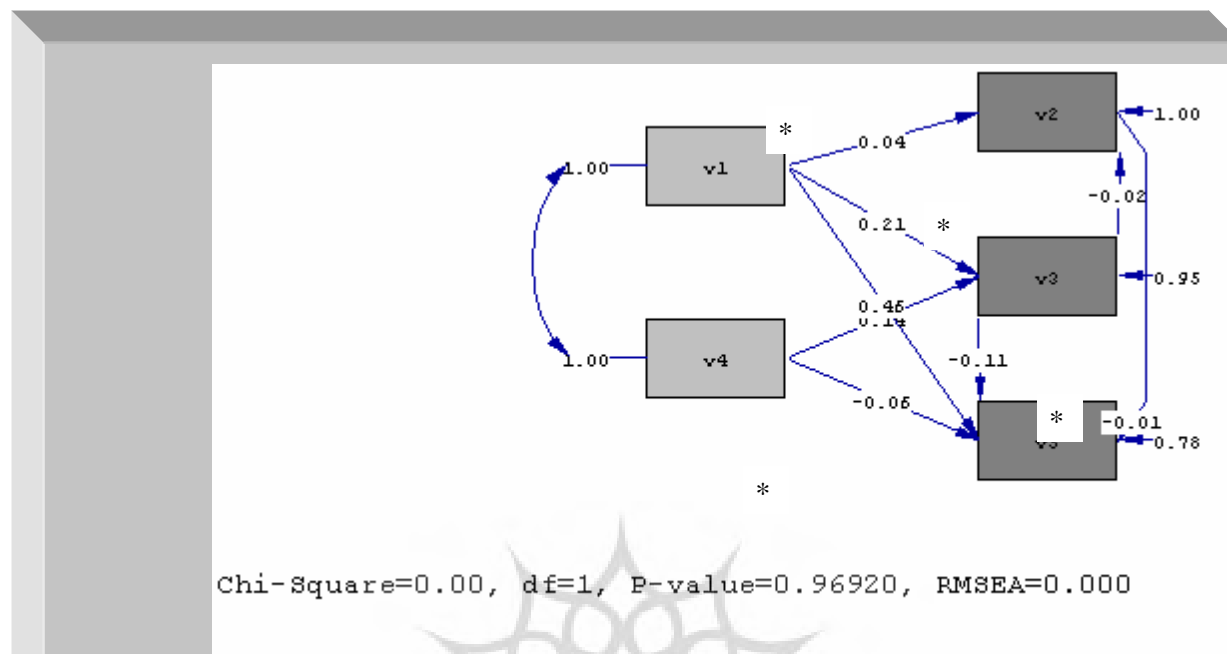
جدول شماره (۱۱): متغیرهایی که از مدل نهایی خارج شده اند

سطح معنی داری	کمیت t	ضرایب استاندارد	متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی
.۵۰۸	-.۶۶۳	-.۰۳۷	پذیرش اجتماعی
.۶۵۷	-.۴۴۵	-.۴۴۵	منافع اقتصادی

است. برای رسیدن به هدف مذکور از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده و شکل ساختاری شماره ۱، مورد آزمون واقع شده است.

تحلیل مسیر^{۱۷}

در این بخش هدف اصلی برآورد میزان تاثیر پذیری مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیر گرایش به فرزندآوری به عنوان متغیر وابسته از متغیرهای مستقل گرایش دینی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منافع اقتصادی



شکل ساختاری شماره ۱: برازش مدل ساختاری مرتبط با متغیر گرایش به فرزندآوری

مشارکت اجتماعی=V3, پذیرش اجتماعی=V2, گرایش دینی =V1

است. متغیر مذکور از طریق متغیر پذیرش اجتماعی تاثیر معنی داری روی متغیر گرایش به فرزندآوری نداشته است. اثر مستقیم متغیر پذیرش اجتماعی بر متغیر گرایش به فرزندآوری معنی دار نبوده است.

اثر مستقیم منافع اقتصادی فرزندان بر متغیر گرایش به فرزندآوری و غیر مستقیم آن از طریق مشارکت اجتماعی، معنی دار نبوده است.

در مجموع نتایج نشان می دهد که از بین متغیرهای مستقل، تاثیر متغیر گرایش دینی بیشتر از سایر متغیرها بوده و کلیه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش توانسته اند، ۲۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. ۷۸ درصد آن مرتبط با سایر متغیرها بوده که در تحلیل

بر اساس شاخصهای نیکویی برازش در شکل شماره ۱، مدل آزمون شده، مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین، بعد از تایید مدل، می توان نتایج تحلیل مسیر صورت پذیرفته را به شرح زیر عنوان داشت:

اثر مستقیم متغیر گرایش دینی بر متغیر گرایش به فرزندآوری معنی دار و به میزان ۴۶ درصد بوده است. همچنین این متغیر توانسته است از طریق متغیرهای مشارکت اجتماعی و پذیرش اجتماعی ۲ درصد تاثیر منفی و در کل ۴۴ درصد بر متغیر گرایش به فرزندآوری تاثیر معنی داری داشته باشد.

اثر مستقیم متغیر مشارکت اجتماعی بر متغیر گرایش به فرزندآوری معنی دار و به میزان ۱۱٪- بوده

گرایش جوانان به فرزندآوری داشته است، اما در نهایت سهم و تاثیر متغیر گرایش مذهبی بیشتر از آن بوده است.

حاضر به آنها پرداخت نشده است (جدول شماره ۱۲). نکته قابل توجه این است که مشارکت اجتماعی تاثیر کاهنده ولی متغیر گرایش مذهبی تاثیر فزاینده بر میزان

جدول شماره (۱۲): تحلیل مسیر متغیر گرایش به فرزندآوری بر اساس متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	نوع اثر		اثر کل	اثرات تحلیل شده	اثرات تحلیل نشده
	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم			
گرایش دینی	۰/۴۶	-۰/۰۲	۰/۴۴	۰/۲۲	۰/۷۸
پذیرش اجتماعی	-۰/۰۱	-	-۰/۰۱		
مشارکت اجتماعی	-۰/۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۱		
منافع اقتصادی	-۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۰۸		

بحث و نتیجه گیری

همانطوری که در ابتدای مقاله عنوان شد، هدف مقاله حاضر، بررسی جامعه شناختی رابطه بین گرایش دینی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منافع اقتصادی فرزندان در گرایش به فرزندآوری بوده است. بنابراین از تئوری ها و تحقیقات گوناگونی جهت تبیین موضوع مذکور، استفاده گردید. بر اساس نظریات دورکیم، وبر، توماس و هنری، در زندگی مادی و دنیوی امروزی، ارزشها و گرایشات معنوی کمرنگ تر شده و در خانواده های گسترده، مذهب باعث وفاداری زوجین به یکدیگر بوده ولی در حال حاضر، با خودمختاری های شخصی، مخصوصا با روی آوردن به روابط شخصی به جای وفاداری به خانواده های گسترده و گروه های مذهبی، مذهب تا حدی از زندگی مردم کنار رفته است، در نتیجه ایمانیات و اعتقادات عمیق که بتوانند واجد خصوصیت دینی نسبتاً جمعی و نسبتاً قوی باشند، کمرنگ تر شده و تاکیدات مذهبی کمتر سرلوحه زندگی قرار گرفته اند. بر این اساس می توان گفت که بالا بودن اعتقادات دینی با افزایش گرایش به فرزندآوری در جامعه مورد مطالعه ما در

ارتباط است؛ طوریکه نتایج تحقیقات پیشین توسط کاوه فیروز (۱۳۶۷)، - (۱۳۸۳)، پریزاده و حسنی (۱۳۸۲) و نیسکا (۱۹۹۹)، تأثیر گرایش دینی بر گرایش به فرزندآوری را تایید کرده اند. پس بر اساس نتایج حاصله، نظریات دورکیم و نتایج تحقیقات پیشین مرتبط با تاثیر گرایش دینی بر گرایش به فرزندآوری که در ادبیات تحقیق به تفصیل آورده شده اند، قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می باشند. یعنی در شرایطی که اعتقادات مذهبی مردم بالا باشد، گرایش به فرزندآوری نیز که از تاکیدات ادیان مختلف از جمله اسلام است، در میان پیروان نیز بیشتر دیده می شود.

رنه کونیک معتقد است که در شرایط کنونی، بیشتر کارکردهای ثانویه خانواده مانند کارکرد اقتصادی، آموزشی و ... به سازمانهای دولتی واگذار شده و به لحاظ مشکلات اقتصادی و سایر شرایط جامعه مدرن امروزی، دیگر وقت چندانی برای فرزندآوری و پرداختن به فرزند نمی ماند. تحقیق حاضر نیز نشان داد که گرایش به فرزندآوری در بین جوانان مورد مطالعه کمتر است، بنابراین

نظریه ایشان قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است.

به نظر هانتینگتون در جامعه مدرن امروزی به جهت تنوعات و تمایزات ساختاری و .. به مشارکت مردم برای ایفای نقش‌های جدیدتر نیاز است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش مشارکت مردم از تعداد فرزندان خانواده کاسته شده و خانواده‌ها تمایل زیادی برای داشتن فرزندان زیاد ندارند. این نظر هانتینگتون نیز به لحاظ تجربی در تحقیق حاضر تایید شده است، بنابراین قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است.

روبین لوندن نیز در تحقیق خود که به بررسی رفتارها و نگرش‌ها و ادراکات باروری زنان می‌پرداخت، اذعان داشته است که زنان شاغل با درآمد خوب در مواجهه با بارداری خود با نگرانی برخورد می‌کنند چرا که نگران شغل و دوری از عرصه‌های اجتماعی هستند. یعنی به صورت تلویحی می‌توان از نتایج تحقیق ایشان این برداشت را داشت که مشارکت در عرصه‌های اجتماعی خود عاملی است در گرایش کمتر به فرزندآوری؛ چیزی که در تحقیق حاضر نیز این امر تایید شد، بنابراین نتیجه تحقیق ایشان قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است.

طبق نظریه مبادله، لبتاین، ویر، گری بکر و تئوری استرلین می‌توان گفت که

انسان‌ها همواره در زندگی خود دنبال آنند که برای خود نفعی بدست آورند. تمامی روابط انسان بر اساس تجزیه و تحلیل ذهنی از هزینه و منفعت و مقایسه‌ی شقوق مختلف شکل می‌گیرد؛ بنابراین به فرض مثال چنانچه منافع اقتصادی فرزندان بیشتر از هزینه‌های آنان باشد، زوجین انگیزه داشتن فرزندان بیشتر را در سر خواهند داشت؛ عکس این امر نیز صادق است. در کل بر اساس محتوای نظریه‌های مذکور، رفتار باروری خانواده‌ها متأثر از رفتار اقتصادی

آنهاست. تحقیق حاضر نیز به لحاظ تجربی موارد نظری یاد شده را تایید کرده است، بنابراین قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشند.

نتایج تحقیق حاضر، نظریه فیش باین و آیزن و فازیو را در مورد تأثیر پذیرش اجتماعی به عنوان یک هنجار ذهنی و فشار اجتماعی در گرایش به فرزندآوری را تایید نکرده است. یعنی فشار اطرافیان در گرایش به فرزندآوری خانواده‌ها چندان تأثیری نداشته است.

نتیجه‌نهایی با در نظر گرفتن میزان تأثیر گذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، حکایت از آن دارد که در مجموع، متغیر گرایش دینی بالاترین تأثیر را بر گرایش به فرزندآوری در بین جوانان متأهل داشته است.

در نهایت بر اساس مطالب نظری و تجربی تایید شده، پیشنهادهای زیر برای بالابردن گرایش به فرزندآوری (متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها) قابل طرح است

تأثیر مشارکت اجتماعی افراد به صورت ضمنی و تلویحی خود دارای کارکردهای بسیاری است: از جمله اینکه، مشارکت اجتماعی باعث می‌گردد که افراد به درک عینی و ملموس تری از واقعیت‌های جامعه برسند که این امر می‌تواند برای فرد دارای نتایجی باشد مثلاً باعث می‌شود فرد در نتیجه تعاملات اجتماعی، تصمیم به افزایش یا کاهش فرزندآوری و... بگیرد. بنابراین مشارکت بالای اجتماعی افراد مورد بررسی در راستای کسب اطلاع از واقعیت‌های جامعه محل زیست ضروری می‌نماید.

اگر در گذشته فرزندان به عنوان سودآوران آینده تلقی می‌شدند، ولی امروزه به جهت عبور از جوامع سنتی به مدرن و حتی فراتر از آن، چنین طرز تلقی از فرزندان کمرنگ‌تر شده و دیگر فرزندان نه تنها سودآور نیستند، بلکه هزینه‌های فراوانی را به خاطر نداشتن شغل، بیکاری و ... بر

حسینی، حاتم (۱۳۸۱)، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دین، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی، تهران: ارغنون.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه‌شناسی

در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: علمی.

زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۳)، تحلیل جمعیت‌شناختی، تهران: سمت.

شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طاهریان فرد، طیبه (۱۳۸۳)، بررسی عوامل موثر بر تفاوت نگرش دو نسل متصل از زنان نسبت به مسئله ازدواج و باروری در شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جمعیت‌شناسی. دانشگاه شیراز.

غفاری، غلام‌رضا و نیازی محسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نزدیک.

قاضی طباطبائی، محمود (۱۳۷۱)، تکنیک‌های خاص تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام نور.

کاوه فیروز، زینب (۱۳۶۷)، بررسی چگونگی تغییر سیاست‌های کنترل جمعیت طی سه دهه اخیر در ایران و تاثیر آن بر باروری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.

کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.

خانواده‌ها تحمیل می‌نمایند. این امر باعث می‌گردد که بسیاری از افراد علیرغم میل باطنی خود تصمیم به کاهش فرزندآوری بنمایند، بنابراین می‌توان با ترفیع مشکلات اقتصادی افراد جامعه، استاندارد گرایش افراد مورد مطالعه را به فرزندآوری احیا کرد.

با توجه اینکه گرایش دینی بالا می‌تواند عاملی مهم در گرایش به فرزندآوری جوانان باشد، بنابراین توجه به مقولات دینی در حوزه فرزندآوری ضروری است؛ چرا که با توجه به آموزه‌های دینی ما - اسلام - داشتن فرزندان صالح زیاد، به نوعی خود می‌تواند عامل بهبود جامعه تلقی گردد. پس با بالا بردن ارزشهای معنوی و دینی در بین جوانان می‌توان آنها را در گرایش به فرزندآوری بیش از پیش مصمم تر کرد.

منابع

آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی جمعیت، نمونه ایران، اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.

اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲)، بررسی علل ناسازگاری زوجین، ترجمه حاضری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر

ساروخانی، تهران: کیهان.

تافلر، الوین (۱۳۷۶)، شوک آینده، حشمت‌الله کامرانی، تهران: سیمرغ.

پریزاده، محمدجواد و حسینی، غلامرضا (۱۳۸۲)، مقایسه تطبیقی شاخص‌های بهداشتی - جمعیتی و عوامل موثر بر آن در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر (اهل سنت و شیعه) در استان خراسان. خراسان.

Niska, K. J. (1999). Mexican American family processes: Nurturing, support, and socialization. *Nursing Science Quarterly*, 12, 138-142.

Rogers, E., 2005. *Diffusion of Innovations*. Free Press, New York.

Urry, John. (2000), *Sociology Beyond Societies, Mobilization for Twenty first Century*, London & New York.

<http://www.pezeshk.us.org>

ملتفت، حسین (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر به گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

میشل، آندر. (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

Baum, H. (2001), *Citizen Participation*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP:1840-1846.

Chandapiwa Butale, M.S. (2008), *The Four shifts: family, work, online learning and social participation for-female in-service teachers at the University of Botswana*, Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University.

Faiers, A., Neame, C. (2005), *Consumer attitudes towards domestic solar power systems*. *Energy Policy*, 1-10.

konig, Rene (1978), *Desintegration und Desorganization der Familie in Franz Filsner (Hrsg.), Einfuhrung in die Familiensoziologie*. Zurich: UTB. S.244-257.

Kuo, Yu-Chen, (1973) *Marriage, fertility, and labor market prospects in the United States, 1960-2000*: Texas A&M University.

Loudon Page, R. (2006) *Sex, Drugs, and Religion: A Multi-ethnic Analysis of Health Behaviors, Attitudes, and Perceptions of Childbearing Women* The University of Texas at Austin, December 2006.

Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. New York: Guilford.

Skaggs, S. (2006), *Relation and Rissian Marriages: Exploring The Relationship and Family Mascow, Russia*.

Mallett, Alexandra (2007), *Social acceptance of renewable energy innovations: The role of technology cooperation in urban Mexico*, *Energy Policy* 35 (2007) 2790-2798.